



با راستگیر کنند. دخترم سن و سالی نداشت. نوارها و اعلامیه‌ها را به داخل از بالای دیوار حیاط خانه به باغ کناری فرستادیم. دخترم کیسه را در زیر زمین ها نشد. مردم گفتند تا پشت در آمده و برگشته اند.»

گری اشاره می کند که شنیدنش خالی از لطف نیست: «در محله مان یک زن مرده می فراری می کرد. مردم در مراسم تر حیمش شرکت کرده بودند. شلوغ شده بود. یک جمع کنید، چه خبر است؟ گفتیم مراسم تعزیه است. همسر این آقا مرده. ساواکی این کارها ندارم. فوراً جمعی کنیدا ما مان قدر به راهنمان اعتقاد داشتیم که ترسی نمی دادیم. برای اولین بار در سینه زنی ها، شعار دادن را شروع کردیم. من میاندار مسجد بودم. از قبل با مردم هماهنگ کرده بودم که وسط سینه زنی که شور و حال مردم بالا گرفت، شعار بدهیم. بنابراین در اوج سینه زنی داد زدم درود بر خمینی بت شکن! مرگ بر این یزید قانون شکن!»

۸ نفر از مشهذقلی به تظاهرات می رفتیم

مرگ کافی در مشهد، آغاز علنی شدن اعتراضات می شود: «اوایل هشت نفر بودیم که پای پیاده از محله مان به تظاهرات می رفتیم. به مرور به تعدادمان اضافه شد؛ هر چند آن زمان تنها ۶۰ خانوار در محله شهذقلی زندگی می کردند.»

انقلاب که به پیروزی می رسد، جهان وارد بسیج سازندگی می شود. رفتن به جبهه آن هم بارها و بارها و مجروحیت و موج گرفتگی، حاصل این حضور است: «من از رفتن به جبهه، فیض دنیوی اش را گرفته ام. مرا از طرف بسیج به حج واجب فرستادند. فیض

اخروی اش هم ان شاء... شامل حال می شود، پس از جبهه حرفی نمی زنم.»

سال های بعد از جنگ برای جهان سال های سازندگی است. اواز ناشکری آدم ها ناراحت است. از اینکه تجمل، بخشی از زندگی مردم شده است: «من همیشه به جوان های محله می گویم اگر یک سال از لوازمی که در خانه دارید، صورت برداری کنید، می بینید که خیلی از لوازم خانه شما استفاده نمی شود. اگر آدم غنی به آدم ندار رحم کند، وضعمان در توس و خیلی از محلات فقیرنشین، این وضعی که هست، نمی شود؛ برای همین ۲۵ سال پیش، خیریه مسجد جواد الائمه (ع) را با کمک خیران محله راه انداختیم. اوایل چهار خانواده تحت پوشش خیریه بودند. حالا ۲۲۰ خانواده تحت پوشش هستند. هر سال عید، بسته تهیه می کنیم. خیری داریم که دوسالی است فوت کرده است. او شیرینی نوروز نیازمندان را تهیه می کرد. از دوسال پیش، خانواده اش این کار خیر را ادامه می دهند. به خانواده های تحت پوشش که معمولاً پیرزن، پیرمرد یا افراد از کار افتاده هستند، چهار نوبت بسته داده می شود. این چهار نوبت، معمولاً پیش از ماه مبارک رمضان، عید سعید غدیر، عید نوروز و میلاد حضرت زهرا (س) است.»

جهان ادامه می دهد: «مردم، کفاره شان را به مسجد پرداخت می کنند. این پول حتماً باید خرج خرید نان شود. برای اینکه کرامت نیازمندان حفظ شود، کارت کوچکی طراحی کرده ایم که بن خرید نان است. فرد تحت پوشش با نشان دادن آن کارت به نانوا، محله، نان دریافت می کند. از این طریق، امکان خرید نان برای افراد بی بضاعت فراهم می شود.»

اهدای جهیزیه به نوعرسان نیازمند

جهان دلش به حال مردم اطرافش می سوزد. غصه می خورد که مردم در تنگنا زندگی می کنند: «در محله کم نیستند دخترانی که به خاطر نداشتن جهیزیه، ازدواجشان به خطر می افتد. همین چند وقت پیش دامادی گفته بود سه سال به خاطر جهیزیه عروس منتظر مانده است و اگر ببیند خانواده عروس واقعاً توان تهیه جهیزیه را ندارند، ازدواجش را به هم می زند. فوری از میان خیران پول جمع کردیم و از همان در مغازه لوازم خانگی، وسایل را به خانه عروس فرستادیم. در این مواقع برای اینکه آبروی عروس حفظ شود، فاکتور می دهیم تا داماد این طور فکر کند که خانواده عروس از قرض الحسنه مسجد وام گرفته اند ولی متأسفانه بعضی خیریه ها وقتی می خواهند لوازم را به خانه عروس بفرستند، کلی سروصدا راه می اندازند و باعث می شوند همه بفهمند که اوضاع از چه قرار است.»

او معتقد است ما چیزی از این دنیا با خودمان نمی بریم. هر چه هم که می ماند، باز مال ما نیست، پس چه بهتر که برای آخرتمان چیزی اندوخته کنیم. آقای جهان برای اقامه نماز اول وقت به همراه دونفر از هم محله ای هایش راهی مسجد می شود. آن ها قرار است در خیریه مسجد دور هم جمع شوند و برای نوروز برنامه ریزی کنند. مبارزه جهان هفتاد و دو ساله گویا تمامی ندارد.

ند.

سب که
وارهای
و گفت